

روشنی تربیتی مبتنی بر

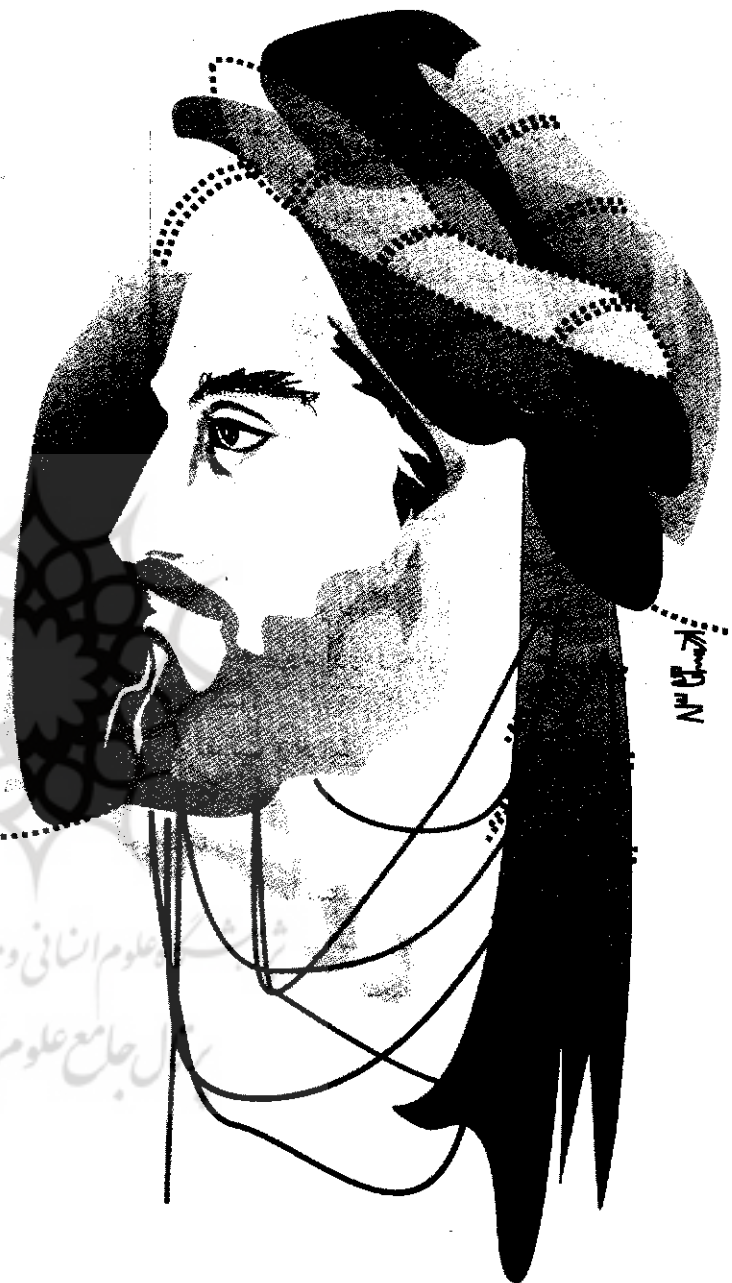
عادت

روشنی فراموشی شده

بخش پایانی

حمید جعفریان یسار

کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت - قم



«عادت» یافتن اخلاق و کردارش به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - بیان فرموده است: «من همواره با پیامبر بودم، چونان فرزندی که همواره با مادر است. پیامبر هر روز، نشانه‌ای تازه از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتدا کنم.» (محمّدی و دشتی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸)

امام علی (ع) و روشن تربیتی «عادت»
قبل از این که به دیدگاه حضرت علی - علیه السلام -
پرداخته شود، به مطلبی اشاره می گردد که آن حضرت درباره

«عادت» از دید امام علی(ع)، طبیعت ثانوی انسان است و غلبه بر آن نیز دشوار است. دشواری این مبارزه تا حدی است که حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «سخت‌ترین سیاست‌ها برگشتن از عادت‌های زشت است.»



در این فراز کوتاه اما پرمعنا، چند ویژگی اساسی دیده می‌شود که عبارت‌اند از: از چه کسی و چگونه باید «عادت» را پذیرفت؟ شخص الگو بسیار مهم است. مداومت در رفتار نیکو، یادگیری آرام آرام، نظارت مستقیم معلم و مربی بر رفتار شاگرد، و پیروی شاگرد از معلم، از اصولی‌اند که در کلام امام علی - علیه السلام - قابل دست‌یابی و مشاهده است. در بررسی عمیق‌تر سخنان حضرت علی - علیه السلام - درباره «عادت»، مطالب متنوع و مفیدی به دست می‌آید که به مواردی از آن‌ها در خصوص ویژگی‌های «عادت» و تعلیم و تربیت به روش «عادت»، می‌پردازیم.

از دیدگاه امام علی - علیه السلام - «عادت»، طبیعت ثانوی انسان است. «العاده طبع الثانی». (هریسی تبریزی، ۱۳۳۷، ص ۲۶) از دید آن امام بزرگوار، اولاً «عادت» جزئی از طبیعت آدمی است و بنابراین «عادات» پسندیده معرف بخشی از طبیعت و هویت انسان است و اگر آدمی بخواهد به نیکویی شناخته شود، می‌بایست «عادات» نیکو نیز داشته باشد. «تخیر لنفسک من کل خلق بأحسنه فان الخیر العاده». (همان منبع، ص ۳۵۶) امام علی(ع)، فرموده‌اند: «به راستی که خیر عادت است»: «ان الخیر، عاده». (ناظم زاده قمی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۶)

ثانیاً، از آن جا که طبیعت آدمی به سادگی قابل تغییر نیست، تغییر «عادات» نیز کاری دشوار و مشکل خواهد بود. بهترین کار این است که قبل از این که فرد به «عادات» زشت دچار شود، «عادات» پسندیده در او ایجاد گردد و به همین دلیل امام علی(ع)، غلبه بر «عادات» را یک فضیلت دانسته‌اند: «الفضیلة غلبه العاده». (هریسی تبریزی، ۱۳۳۷، ص ۱۶) و حتی آن امام بزرگوار، ترک «عادت» را نیز بالاترین عبادت بیان فرموده‌اند. «افضل العباده غلبه العاده». (همان منبع، ص ۱۷۶) البته روشن است که منظور امام علی(ع) از ترک «عادت»، به طور حتم، «عادات» زشت و نازیباست. چرا که زشتی، وقتی در وجود انسان رخنه کند، آرام آرام مالک انسان

شده، او را در بند خواهد کشید. بر این اساس آدمی از سیر کمال باز خواهد ماند. آن امام راستین(ع) فرموده‌اند: «عادت، دشمن اشغالگر است»: «العاده عدو مملک». (همان منبع، ص ۳۳)

بنابراین ضروری است که انسان در مسیر تکامل، دشمن درونی خویش را دفع نماید. البته راه این کار را آن حضرت(ع)، بیان کرده‌اند، جایی که فرموده‌اند: «در ترک عادت، بر نفستان غلبه کنید و با خواست‌های نفس مبارزه کنید تا نفس

خویش را مالک شوید.» (همان منبع، ص ۵۰۸)
 همان طور که در اوایل همین بحث مطرح شد، «عادت» از دید امام علی (ع)، طبیعت ثانوی انسان است و غلبه بر آن نیز دشوار است. دشواری این مبارزه تا حدی است که حضرت علی (ع) فرموده اند: «سخت ترین سیاست ها، برگشتن از عادت های زشت است.» (همان منبع، ص ۱۸۱)
 بنابراین، بهترین کار آغاز کردن زود هنگام مبارزه با «عادت» زشت است و راه بهتر و ساده تر - که آن را بازم خود امام (ع)، بیان فرموده اند - «عادت» کردن به خوبی ها و نیکی هاست.

با توجه به سخنان امام علی (ع)، نوع «عادت»، تشکیل «عادت» یا مقابله با بعضی از «عادت»، دارای اهمیت اند. انسان به هر چیزی که «عادت» کند، نتایجی را در پی خواهد داشت. از دیدگاه امام (ع) می توان چنین استنباط کرد که: «عادت» مطلوب برای نفس و اعضا و جوارح آدمی، باعث تربیت و تکامل او می شود. نفس و زبان و گوش آدمی، هر یک باید به صفتی نیکو «عادت» کند. نفس آدمی نیازمند پاکی نیت و زیبایی آهنگ است تا موفقیت در کار و کوشش او حاصل شود. امام (ع) فرموده اند: «خود را به نیت پاک و آهنگ زیبا عادت ده تا در کار و کوشش هایت رستگار باشی.» (همان منبع، ص ۴۹۲)

در فرازی دیگر امام (ع)، فرموده اند: «خویشتن را به کردار بزرگان و کشیدن بار تاوان (مردم) عادت ده تا نفست شریف گردد، آخرت آباد شود و ستایش کنندگان بسیار گردند.» (همان منبع، ص ۴۹۲)

امام (ع)، درباره «عادت» کردن به نیکوکاری فرموده است: «خویشتن را به نیکوکاری عادت ده، زیرا آن چه را از تو پدید آید، زیبا می سازد و پاداش را (بیش خدا) بسیار و تمام می گرداند.» (همان منبع، ص ص ۴۹۲ - ۴۹۱)

امام (ع)، درباره «عادت» زبان فرموده است: «زبان را به خوی خوش سخنی و سلام کردن بدار تا دوستانت بسیار و دشمنانت کم گردند.» (همان منبع، ص ۴۹۲) و در جای دیگر فرموده است: «زبان را به شیرین سخنی عادت ده تا از سرزنش ایمن باشی.» (همان منبع، ص ۴۹۲) حضرت امام علی (ع)، راجع به «عادت» کردن گوش به شنیدن سخنان نیک چنین فرموده است: «گوشت را به شنیدن سخن های نیک عادت ده، و مشن مگر آن چه شنیدنت در شایستگی ات

ببفزاید، زیرا این (شنیدن سخن های نابهنجار) آینه دل را به زنگار گیرد و نکوهش ها را لازم گرداند.» (همان منبع، ص ۴۹۲)

آن امام همام (ع)، راجع به «عادت» کردن نفس به جوانمردی و دوری جستن از ذلت، فرموده است: «خود را به جوانمردی و دوری گزیدن از الحاح وزاری (گریه پیش خلق) عادت ده تا شایستگی را ملازمت گرداند.» (همان منبع، ص ۴۹۲) امام علی (ع)، مردم را با صفاتی که دارند مورد شناسایی قرار می دهند و برای هر یک از آنان «عادت» خاصی بیان کرده اند. برای مثال، از دیدگاه امام، «عادت بزرگان، بخشش است.» (همان منبع، ص ۴۹۳) یا «عادت اشرار، آزار

با توجه به سخنان

امام علی (ع)،

نوع «عادت»، تشکیل «عادت»

یا مقابله با بعضی از «عادت»،

دارای اهمیت اند. انسان به هر

چیزی که «عادت» کند،

نتایجی را در پی

خواهد داشت.

دوستان است.» (همان منبع، ص ۴۹۳) به نظر می رسد مقوله «عادت» از دیدگاه امام «علی» (ع) بسیار قابل توجه است. کم تر دانشمندی تا این حد به دقت و نکته سنجی پرداخته است. از دیدگاه امام (ع) اثر «عادت» قابل توجه است و براساس آن، حضرت علی (ع) برای قسمت های مهم بدن انسان، «عاداتی» را وصف کرده اند که این نکته یابی، بی هیچ تردیدی قابل ستایش است.

انواع «عادت»

به طور کلی طرح طبقه بندی «عادت»، با توجه به سخنان امام «علی» (ع)، در دو حیطه «عادت» نیک و «عادت» بد قرار می گیرد. دانشمندان دیگری چون امام محمد «غزالی» آن را به اجزای بیش تری تقسیم نموده اند. «غزالی»، «عادت» را بر

مربی باید با توجه



به «عادت» زشتی

که دانش آموزان بدان گرفتار

شده‌اند، بسته به میزان

نامطلوبی و مضرات ناشی از

آن، راه حل مناسبی برای ترک

آن انتخاب کند. امام علی (ع)

در جملات منطقی خود،

پیش‌گیری را بهترین

راه حل

معرفی فرموده‌اند.



تشکیل «عادت»

بعضی از دانشمندان اعتقاد دارند، وظیفه مربی تشکیل «عادات» نیک، در همه ابعاد عملی، روانی، معنوی و عاطفی است تا فرد بتواند مرتب‌ترین خویش را در همه ابعاد وجودی‌اش تربیت کند. طبیعی است که برای از بین بردن «عادات» بد و تشکیل «عادات» نیک، طی مراحل، لازم و ضروری است تا به این وسیله طبیعت ثانوی در فرد تشکیل یا تغییر یابد.

در این میان، امام علی - علیه‌السلام - مراحل تشکیل «عادات» را با توجه به احادیث، گرایش فرد به نیکی‌ها بیان فرموده‌اند و البته این راه هم بسیار آسان و هم کاربردی است. آن امام بزرگوار، پیش‌گیری را بهترین راه حل، بیان فرموده‌اند.

امام «محمد غزالی»، مراحل تشکیل «عادت» را دو مرحله تکوین و ثبات بیان کرده است. مرحله تکوین، مرحله‌ای است که انسان در سختی قرار گیرد و با تحمل دشواری همراه است. مرحله ثبات به شکلی است که رفتار و اعمال فرد به صورت درونی می‌شود. (حجتی، ۱۳۶۱، صص ۱۰۰ - ۹۹)

دانشمندان امریکایی اعتقاد دارند که برای تشکیل «عادت»، باید هر کاری را در اولین فرصت و با شدت تمام آغاز کرد. برای مثال، اگر فرد خود را در مقابل دیگران متعهد کند، آن‌گاه بر خود سخت‌گیری کند تا عمل مورد نظر به صورت «عادت» در آید. برای این کار هیچ استثنایی نباید وارد شود. زیرا پذیرش استثنا مانند پیچیدن گلوله نخی است که ناگهان بر زمین افتد و نتیجه تلاش از بین برود و سرانجام این که در روند تشکیل «عادت»، از ابتلا به سستی و رخوت پرهیز شود. (سپهری، ۱۳۶۵، صص ۲۵ - ۱۵)

دین مبین اسلام با توجه به آیات قرآن، برای حذف «عادات» بد، دور راه را پیش‌نهاد می‌کند. البته «عادات» بسته به نوع و مقدار ریشه دوانیدنشان در جان آدمی، هر یک با روش خاصی، قابل درمان است.

راه اول: قطع و به دور انداختن بدون معطلی «عادات» زشت.

راه دوم: دور انداختن تدریجی «عاداتی» که در جان آدمی ریشه‌ای عمیق یافته است.

آیاتی که در ابتدای آن‌ها کلمات عتاب آلود و سرزنش

حسب حوزه نفوذ آن، و بر خلاف بعضی که «عادات» را فقط در محیط زیستی و محیط یادگیری‌های بدنی تقسیم می‌کنند، به قسمت‌های دیگری نیز تقسیم کرده است که عبارت‌اند از: الف) «عادات» بر حسب حرکات عضلانی (مثل: خوردن، پوشیدن، بازی، خطاطی و...).

ب) «عادات» مربوط به وجدانیات (مثل: عواطف انسانی). ج) «عادات» مربوط به تفکرات و عقلانیت (مثل: تفکرات دینی و فقهی، نوع تفکر افراد و...).

د) «عادات» مربوط به اخلاق (مثل: زهد، صبر، اعتدال، شجاعت و...). (حجتی، ۱۳۶۱، صص ۱۰۸)

استاد «مطهری» نیز چنان که گذشت، «عادات» را به دو بخش فعلی و انفعالی تقسیم کرده است و نوع فعلی آن را بسیار ارزشمند می‌داند. به بیان ایشان، تشکیل «عادت»، ساختن انسان است نه پرورش او. تفاوت بین پرورش و ساختن در این است که پرورش، رشد استعداد موجود است و ساختن، شکل دادن انسان آن گونه که مربی می‌خواهد، بنابراین تشکیل «عادت» از نوع فعلی آن، به مراتب مهم‌تر است. (مطهری، ۱۳۷۱، صص ۹۰ - ۸۸)

«صبوری» در کتاب خود به نام روش تربیتی «عادت»، «عادات» را به چهار نوع تقسیم کرده است: «معنوی یا روحی»، «عملی یا عضوی»، «فکری یا غریزی» و «حیاتی یا زیستی». (صبوری اردوبادی، ۱۳۶۰، صص ۲۱)



ایجاد یک رفتار

یا ترک رفتاری دیگر،

به گذشت زمان نیازمند است.

در این مسیر، سعه صدر معلم

بسیار مهم است. صبوری از

ابزارهای مهم روش تربیتی

مبتنی بر «عادت»

است.



بنابراین در بعضی مواقع، لزوماً «عادت» باید ترک شود یا اهمیت بیش تری به آن داده شود.

دانش آموزان، محصولات جامعه‌اند. هیچ باغبانی نهال کم توان خود را به حال خود رها نمی‌سازد. بنابراین چگونه می‌توان اساسی‌ترین موجود هستی را رها کرد؟ مقوله تربیت برای همین است که دانش آموزان رفتاری را تثبیت یا رفتاری را ترک گویند. اهمیت اساسی «عادت» در نتیجه نهایی و محصول تبلور می‌یابد. به عبارت دیگر، زمانی که شاکله اصلی فرد به طرف کمال در حال حرکت است، تغییر و حذف آن بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین توجه به این نکته که محصول نهایی چه چیزی خواهد شد، بسیار با اهمیت است.

تفکر و «عادت» از دوزاویه قابل بررسی است. اول: انسان «عادت» کند که تفکر کند. این روند ضمن «عادت» بودن، بسیار مطلوب به نظر می‌رسد. دوم: «عادت» را از تفکر جدا کند و هر یک مسیری جدا داشته باشد، که این مطلوب نیست. در حقیقت «عادت» هم می‌تواند مانع تفکر شود و هم می‌تواند سبب رشد تفکر گردد. مهم این است که انسان «عادت» و تفکر را بشناسد و طبقه‌بندی کند. بر این اساس، اگر جایگاه «عادت» و تفکر درست باشد، «عادت» هیچ گاه مانع تفکر نیست و چنانچه در «عادت»، تفکر وجود نداشته باشد، انسان چیزی می‌شود مثل ماشین، اگر چه همه کارهای او خوب، پسندیده و مطلوب باشد. در واقع در چنین وضعی آگاهی و شعور وجود ندارد.

در این که «عادت» یک روش تربیتی است، هیچ شکی وجود ندارد. اکثر دانشمندان و خصوصاً امام علی (ع)، «عادت» را روشی برای تعلیم و تربیت، بیان کرده‌اند.

راه کارها و پیش نهادها

تا این جا مقوله «عادت»، تا حدودی روشن شد و هم چنین نظریات دانشمندان مختلف، مورد مذاقه و ریزبینی قرار گرفت. حال از آن جا که دانش آموز در دو جایگاه مهم خانه و مدرسه در تعامل است، مربیان و والدین چگونه و از چه راه‌هایی می‌توانند به مقوله «عادت»، بپردازند و به عبارت دیگر، چه راه کارهایی برای این منظور وجود دارد؟ در این بخش، چند راه کار عملی تقدیم می‌شود.

وجود دارد، گویای ترک فوری آن رفتار و عمل زشت است، کلماتی مانند «ویل». در مورد رفتارهایی که «عادت» آن در جان فرد ریشه‌ای سخت گرفته، ترک فوری امکان پذیر نیست و می‌بایست آرام آرام به این عمل اقدام کرد، برای مثال در مورد عادت شراب‌خواری که در میان مردم شبه جزیره عربستان رواج داشت، آیات قرآن به تدریج دستور به ترک آن عمل را ارائه کرده است. (قطب، ۱۳۶۲، ص ص ۲۵۹-۲۵۷)

بنابراین مربی باید با توجه به «عادت» زشتی که دانش آموزان بدان گرفتار شده‌اند، بسته به میزان نامطلوبی و مضرات ناشی از آن، راه حل مناسبی برای ترک آن انتخاب کند. امام علی (ع) در جملات منطقی خود، پیش گیری را بهترین راه حل معرفی فرموده‌اند.

بحث

«عادت»، مقوله پیچیده و ظریفی است. با توجه به گفته‌های دانشمندان، ماهیت «عادت»، رفتار توأم با تکرار است. به عبارت دیگر جوهر «عادت» به تکرار یک رفتار باز می‌گردد. به طور کلی به نظر می‌رسد که «عادت» هم جنبه وراثتی دارد و هم اکتسابی است. به طور مثال، یک تیک رفتاری را می‌توان «عادات» ارثی نام نهاد و تغییر یک رفتار در زمانی خاص و تکرار آن را «عادت» اکتسابی خواند. ترک یک رفتار یا اهمیت دادن به یک رفتار، به نوع رفتار و رابطه آن با دین، فرهنگ، اجتماع، زشتی، زیبایی و... مربوط است.

الف) آشنا کردن معلمان با روش تربیتی «عادت»

بین بردن «عادات»، موجب به هم ریختگی ساختار روحی و روانی دانش آموزان می شود. بدون تردید، لطافت و نرمی در هر رفتاری، باعث گرایش دانش آموزان، به آن خواهد شد.

ه) استفاده از شیوه‌های متنوع تربیتی

زمانی که کودک در حال رشد است و به عبارتی قوای عقلانی او در حال تکمیل شدن است، ضروری است از دیگر شیوه‌های تربیتی نیز بهره گرفته شود. بدیهی است که به موازات رشد عقلی و جسمی کودک، تسلط بزرگ‌ترها بر آن‌ها کم‌تر می شود و استفاده از روش تربیتی «عادت» با افزایش رشد عقلی مشکل‌تر خواهد شد. به عبارت دیگر هر چه سن عقلی افزایش می‌یابد، تشکیل «عادت» و حذف «عادت» به همان نسبت سخت می شود. در بزرگ‌ترها به سختی می توان «عاداتی» را ایجاد کرد یا «عاداتی» را از بین برد. بنابراین به موازات رشد عقلی، به همان نسبت به تنوع روش‌های تربیتی نیز افزوده می شود.

و) فناوری و «عادت»

زمان حاضر، زمان استفاده از فناوری‌های پیچیده و متفاوت است. با وجود ابزارهایی چون رسانه‌های جمعی، رایانه‌ها، ماهواره‌ها و...، به نظر می‌رسد ایجاد «عاداتی» چون تفکر، پرسشگری، هدف‌مندی، نظم و...، از جمله «عادات» ضروری به شمار می‌آیند. براین اساس، در گرایش به ایجاد «عادت»، توجه به این مقوله نیز خالی از لطف نیست. به مرور زمان، روابط انسان‌ها، بیش از پیش به تکنولوژی وابستگی پیدا می‌کند. بنابراین در کنار «عادت»، ضروری است به مقوله تکنولوژی نیز توجه شود.

ز) ارتباط مستمر خانه و مدرسه

از مسایل مهم تعلیم و تربیت جهان امروز، ارتباط تنگاتنگ میان خانه و مدرسه است. دانش آموزان در سنین اولیه، بسیاری از «عادات» خوب و بد خود را از خانه به مدرسه منتقل می‌کنند که این روند، عوارضی در پی خواهد داشت. معلمان و مربیان با ارتباط مستمر خانه و مدرسه، تلاش خواهند کرد تا «عادات» دانش آموزان را شناسایی کرده، مانع از ورود انواع «عادات» زشت شوند. البته عکس این مطلب هم صادق است. در سنین پایین انتقال «عادات»،

سنین کودکی بهترین سنین القای رفتار (چه خوب و چه بد) است. کودک به آسانی می‌پذیرد و آن‌چه بپذیرد، در ذهن و درون او ملکه می‌شود. در مدارس، معلمان تنها کسانی‌اند که ضمن داشتن ارتباط مستقیم با دانش آموز، تأثیر آن‌ها به مراتب بیش‌تر از بقیه افراد است، بنابراین با شناخت روش تربیتی «عادت»، این فرایند برای معلمان آسان‌تر می‌شود و استفاده از آموزه‌های دینی و یافته‌های روان‌شناسی، به خوبی امکان خواهد یافت. به عبارت ساده‌تر، معلمان می‌توانند «عادات» بسیار مطلوبی در دانش آموزان ایجاد کنند.

ب) سعه صدر و نقش الگویی معلم

ایجاد یک رفتار یا ترک رفتاری دیگر، به گذشت زمان نیازمند است. در این مسیر، سعه صدر معلم بسیار مهم است. صبوری از ابزارهای مهم روش تربیتی مبتنی بر «عادت» است. از آن‌جا که بیش‌ترین برخورد دانش آموزان، آن‌هم به صورت مستقیم، با معلم است؛ نقش الگویی معلم اهمیت فوق‌العاده‌ای خواهد یافت. اگر معلم خود نمونه و الگوی عملی باشد، قسمت اعظم راه طی شده است و طی باقی‌مانده راه نیز کار سختی نخواهد بود. الگو بودن تا حدی اهمیت دارد که حضرت علی (ع) از تمام رفتارهای پیامبر (ص)، الگوبرداری می‌کردند.

ج) انجام فرایض دینی در کودکی

از ناحیه ائمه اطهار (ع) اخبار متعددی رسیده است که کودکان را از هفت سالگی با فرائض دینی، البته در حد توانشان، آشنا کنید. در واقع در این فراز، استفاده از تدریج و استمرار قابل مشاهده و مذاقه است. به عبارت ساده‌تر، «عادت» کردن به انجام فرائض دینی در کودکی، منجر به ایجاد روح معنوی و انس با معنویات در دانش آموز خواهد شد. این فرایند ساده و دست‌یافتنی، تقید به فرائض دینی را در بزرگسالی، بسی ساده و آسان خواهد کرد.

د) اجتناب از سخت‌گیری‌های بی‌مورد

فطرت انسان به گونه‌ای است که با هر نوع سخت‌گیری، مخالفت کند و امر و نهی مستقیم را نپذیرد. بر این اساس، سخت‌گیری بی‌مورد در پذیرش «عادات» یا از

بسیار ساده و امکان‌پذیر است و ارتباط خانه و مدرسه در بهسازی این فرایند، کمک قابل توجهی خواهد کرد.

سخن آخر

بدون تردید «عادت» یک روش تربیتی است و متأسفانه در تعلیم و تربیت ما مغفول مانده است. از آن جا که دوره ابتدایی و حتی پیش از آن (به نظر نگارنده از سه سالگی تا دوازده سالگی) حیاتی‌ترین دوره تربیت است، توجه به مقوله «عادت»، خصوصاً در دوره پیش از دبستان و دبستان، اهمیت ویژه‌ای دارد. اما به نظر می‌رسد که تربیت (پرورش) خیلی دیرتر آغاز می‌شود. به عبارت دیگر، از سه سالگی تا دوازده سالگی، مقوله آموزش خیلی بیش‌تر به چشم می‌خورد، اما از تربیت یا پرورش چندان خبری نیست. به بیان دیگر، آن چه برای آینده و تأمین آتیه دانش‌آموزان مورد نیاز است، به آن‌ها یاد داده نمی‌شود (مقوله تربیت و عادت) و زمانی این مطالب آغاز می‌شود که متأسفانه آن زمین آماده کشت^۱ و آن لوح سفید^۲ دیگر نه جایی برای کشت دارد و نه سفید است که بتوان در آن چیزی نوشت.

با تأسف به نظر می‌رسد که در کشور ما، کودکان تا هفت سالگی هیچ برنامه مدون تربیتی و «عادت» ندارند. فقط عده کمی از کودکان از آموزش‌های پیش از دبستان بهره می‌گیرند. آن‌هایی که بضاعت مالی دارند و گروه دیگر به خاطر شاغل بودن پدر و مادرشان، مجبورند در کودکانستان‌ها بمانند، در حالی که شکل و اساس موضوع، مورد توجه نیست. در اوآن کودکی، دل و درون، نرمی و لطافت خود را از دست می‌دهد و هر چه به سن افزوده می‌گردد، به سختی و خرابی دل نیز اضافه می‌شود، تا جایی که دیگر هیچ سودی (اسیدی) بر آن کارگر نیست. مقوله تربیت و مهم‌ترین روش آن «عادت»، جایی در تعلیم و تربیت نداشته و به فراموشی سپرده شده است. به نظر می‌رسد تربیت خیلی دیر شروع می‌شود و زمانی این کار صورت می‌گیرد که دیگر هیچ فایده‌ای ندارد. از مقوله‌های بسیار مهم در تعلیم و تربیت، انتخاب روش صحیح در زمان درست آن است و به جد می‌توان اقرار کرد که کار انجام می‌شود ولی نه در زمان خودش. جبران چنین اشتباهی در تعلیم و تربیت، بی‌نهایت دشوار و بسیار هزینه‌بر است.

کشورهای واجد تعلیم و تربیت پیشرفته، برنامه‌های

متنوع و مدونی برای ایجاد «عادات» مطلوب برای دانش‌آموزان دارند. مقوله مورد توجه آن‌ها همانا رفتارهای اجتماعی است. به فرض اگر قرار است دانش‌آموز خردسال در بزرگسالی کارهایی از قبیل عبور نکردن از چراغ قرمز را رعایت کند، در کودکی او را به همین کار «عادت» می‌دهند تا این موضوع را رعایت نماید؛ آن هم نه ذهنی، بلکه کاملاً عملی. یک محاسبه ساده ریاضی نشان می‌دهد که همین موضوع ساده در آینده چه صرفه‌جویی بزرگی در پی خواهد داشت. تصور این که بعد از ۱۵ سال، ۱۰ میلیون فرد جامعه به هیچ وجه از چراغ قرمز عبور نمی‌کنند، نکته کم‌اهمیتی نیست. تفکر در این موضوع بسیار ساده است. اجتماع به افراد آن نیازمند است و افراد را براساس نیازهای خود تربیت می‌کند.

از زمان‌های بسیار دور، ائمه اطهار (ع) و دانشمندان اسلامی و غیراسلامی، استفاده از مقوله «عادت» را با اهمیت بیان کرده‌اند. در مقایسه با تعلیم و تربیت کشورهای توسعه یافته، ایران با دو نقطه ضعف اساسی دست به گریبان است: الف) آموزش‌های مدون قبل از دبستان در ایران بسیار ناچیز است.

ب) آموزش‌های دبستانی در ایران بیش‌تر جنبه ذهنی دارد تا عملی. در این بین زمانی حدود ده سال به طور چشم‌گیری از دست می‌رود. به امید روزی که تعلیم و تربیت کشورمان بر قله توانایی‌ها ایستاده باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- حدیثی است از حضرت علی علیه‌السلام.
- ۲- جمله معروف جان لاک، دانشمند انگلیسی است که در نظریه‌های خود در یادگیری و روان‌شناسی از آن استفاده کرده است.

منابع:

- حاجتی، سید محمد باقر: روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، دفتر دوم، تهران ۱۳۶۱.
- مطهری، مرتضی: تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۱.
- صبوری اردوبادی، احمد: نقش تربیتی عادت، انتشارات هدی، تهران ۱۳۶۰.
- سپهری، برزو: آرای فلاسفه درباره عادت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۲۵.
- قطب، محمد: روش تربیتی اسلام، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، مؤسسه انجام کتاب، تهران ۱۳۶۲.